

# تحلیل مسیر سبک فرزندپروری مادران با مؤلفه‌های تیپ شخصیتی (A.B.C.D) و جهت‌گیری مذهبی آن‌ها

نادیا قره‌گوزلو<sup>۱</sup>، اکبر عطاذخت<sup>۲\*</sup>، سجاد بشرپور<sup>۳</sup>، محمد نریمانی<sup>۴</sup>

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۲. دانشیار روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۴. استاد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

## چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر که با هدف بررسی نقش تیپ شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی مادران در پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری اجرا شد.

**روش:** روش پژوهش از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی (تحلیل مسیر) بود. برای انجام این پژوهش از بین مادران نوجوانان ۱۸-۱۵ سال ساکن در شهر همدان نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد و مادران پرسشنامه تیپ شخصیتی A و B فریدمن و روزنمن (۱۹۵۹)، مقیاس تیپ شخصیتی C راهه و سولومون (۱۹۹۹) و مقیاس تیپ شخصیتی D دنولت (۱۹۹۸)، جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰) و سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) را تکمیل نمودند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر مبتنی بر رگرسیون استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که تیپ‌های شخصیتی C و D با سبک فرزندپروری استبدادی رابطه مثبت؛ و تیپ شخصیتی D با سبک فرزندپروری قاطع رابطه منفی دارد. همچنین جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری قاطع و جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و استبدادی رابطه مثبت دارد و تحلیل مسیر انجام شده نیز نشان داد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری سهل‌گیر به طور مستقیم و با سبک فرزندپروری استبدادی به طور غیرمستقیم از طریق تیپ شخصیتی D به عنوان یک متغیر میانجی رابطه دارد.

**بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های تیپ شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی و سبک فرزندپروری ارتباط وجود دارد که از نتایج پژوهش می‌توان در راستای پیشگیری از صدمات وارده بر فرزندان که می‌تواند ناشی از انتخاب سبک‌های فرزندپروری نادرست والدین باشد استفاده نمود.

**کلیدواژه‌ها:** شخصیت D، شخصیت C، شخصیت A، شخصیت B، جهت‌گیری مذهبی، سبک فرزندپروری.

\*Email: ak.atadokht@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

## روانشناسی بالینی و شخصیت

(دانشور رفتار)

دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۰  
بهار و تابستان ۱۳۹۷  
صص: ۱۱۹-۱۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

Biannual Journal of

## Clinical Psychology & Personality

(Daneshvar-e-Raftar)

Vol. 16, No. 1, Serial 30

Spring & Summer  
2018

pp.: 119-130

## مقدمه

خانواده یکی از قوی‌ترین پیوندهای ارتباط اجتماعی است [۱] که در میان عوامل اجتماعی زیادی که در تحول کودک سهم دارند بدون شک از اهمیتی اساسی برخوردار است [۲] اولین تاثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند از خانواده است و حتی تاثیرپذیری فرد از سایر محیط‌ها نیز می‌تواند نشأت گرفته از همین محیط خانواده باشد. خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خطمشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی را بر عهده دارد [۳]. به طور کلی، محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت<sup>۱</sup> افراد تأثیر می‌گذارد [۴] و رفتارهای پدر و مادر به طور مداوم با سلامت روان کودکان و نوجوانان در ارتباط است [۵]. در درون خانواده نیز در مقایسه با سایر اعضا، مادران بیشترین مؤثرترین نقش را در صلاح و فساد فرزندان بر عهده دارند [۶] که رفتار آن‌ها می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های فرزندپروری انتخابی آن‌ها بر روی فرزندان‌شان متفاوت باشد [۷]. سبک‌های فرزندپروری، الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند [۸]. که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری و رشد آنان در دوران کودکی و خصائص شخصیتی و رفتاری آن‌ها تأثیر فراوان و عمیقی می‌گذارند [۹].

بامریند<sup>۲</sup> سه نوع سبک فرزندپروری مستبدانه<sup>۳</sup>، مقتدرانه<sup>۴</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۵</sup> را با در نظر گرفتن کنترل و صمیمیت والدینی ارائه کرده و پژوهش‌های مرتبط انجام شده نشان داده که این سبک‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند [۱۰].

سبک فرزندپروری مستبدانه یا سلطه‌گر با سطوح پایین پذیرش، همراه با سطوح بالای کنترل، شناخته می‌شود [۱۱]. والدین با این سبک، حدود و قوانین مشخصی را برای فرزندان تعیین می‌کنند که امکان بحث و مذاکره درباره آنها وجود ندارد [۱۲] این سبک با بروز افسردگی<sup>۶</sup>، اضطراب<sup>۷</sup> عدم کیفیت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی ضعیف، رفتارهای بزهکارانه، مصرف مواد مخدر و اختلال سلوک<sup>۸</sup> همراه است [۱۳] از سوی دیگر فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری، حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و

ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌گردد [۱۰] و فرزندان متعلق به والدین مقتدر، اهدافی واقع بینانه و در سطوح توانایی خود بر می‌گزینند و سطوح بالاتری از خودمختاری<sup>۹</sup> و صلاحیت اجتماعی و میزان کمتری از پرخاشگری<sup>۱۰</sup> را از خود نشان می‌دهند [۱۴] نهایتاً سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز، با کمبود مهار والدینی مشخص می‌شود [۱۰] این والدین به فرزندان‌شان اجازه می‌دهند هر کاری خواستند انجام دهند، بدون اینکه بر اعمال آنان مراقبت و نظارت داشته باشند [۱۵] این سبک نیز با بزهکاری<sup>۱۱</sup> و پرخاشگری ارتباط دارد [۱۶].

شناخت تعیین‌کننده‌های سبک‌های فرزندپروری یکی از دغدغه‌های محققان فعال در زمینه‌ی خانواده است. بلسکی<sup>۱۲</sup> بیان می‌کند که سه منبع تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر سبک‌های فرزندپروری عبارتند از: ویژگی‌های شخصیتی فرزندان، منابع زمینه‌ای حمایتی و استرس‌زا و ویژگی‌های شخصیتی<sup>۱۳</sup> والدین. بلسکی معتقد است که از این سه منبع، ویژگی‌های شخصیتی والدین در تعیین سبک‌های فرزندپروری مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر هستند [۱۷].

به طوریکه در تحقیقات انجام گرفته توسط اسمخانی اکبری نژاد و همکاران [۱۸]، استاد علی و نفیس [۱۹]، بشارت و همکاران [۱۷] و هورور و همکاران [۲۰] این تأثیر نشان داده شده است.

شخصیت والدین می‌تواند به صورت الگوهای رفتاری مختلف مانند تیپ‌های شخصیتی A و B، C و D ظاهر شود. الگوی رفتاری تیپ A به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات هیجانی شامل جاه‌طلبی<sup>۱۴</sup> شدید، رقابت در رانندگی، بی‌حوصلگی، تنش<sup>۱۵</sup> عضلانی، هشیاری<sup>۱۶</sup> و شتاب تعریف شده [۲۱] افراد تیپ B، نسبت به افراد تیپ A آرامش بیشتری دارند، کمتر جاه‌طلب<sup>۱۷</sup> و بی‌حوصله هستند [۲۲] مسائل را خیلی آسان می‌گیرند و بیشتر به کیفیت زندگی اهمیت می‌دهند [۲۳] تیپ‌های C نیز به عنوان یک تیپ شخصیتی گوش به زنگ و سرکوب‌کننده<sup>۱۸</sup> معرفی شده‌اند [۲۴] و تمایل شدیدی برای سرکوب خشم و سایر احساسات منفی دارند [۲۵] تیپ شخصیتی D یا شخصیت مضطرب هم

<sup>9</sup> Autonom<sup>10</sup> Aggression<sup>11</sup> Delinquency<sup>12</sup> Belsci<sup>13</sup> Personality Trait<sup>14</sup> Ambition<sup>15</sup> Tension<sup>16</sup> Consciousness<sup>17</sup> Ambitious<sup>18</sup> Repression<sup>1</sup> Personality<sup>2</sup> Bumrind<sup>3</sup> Authoritarian parenting<sup>4</sup> Authoritative parenting<sup>5</sup> Permissive parenting<sup>6</sup> Depression<sup>7</sup> Anexity<sup>8</sup> Disorder temperament

فرزندپروری مناسب نقشی انکار نشدنی در انسان‌سازی و تأمین سلامت جامعه دارد و بر سلامت و عدم سلامت روانی کودکان و نوجوانان که آینده‌سازان جامعه هستند تأثیرگذار است و از آنجا که خانواده نخستین و حساس‌ترین پایگاه تربیت است و همچنین نقش تربیتی مادر در خانواده پررنگ‌تر می‌باشد این مساله، ضرورت بررسی عوامل تأثیرگذار بر نوع سبک فرزندپروری مادران و رسیدگی و پیشگیری از عواقب جبران‌ناپذیر آن را ایجاد کرد و از آنجا که تحقیقی در خصوص تأثیر تیپ‌های نوع (A,B,C,D) بر سبک‌های فرزندپروری صورت نگرفته است و همچنین تحقیقات در خصوص تأثیر انواع جهت‌گیری مذهبی از نوع درونی و بیرونی بر سبک‌های فرزندپروری کم است. لذا این پژوهش در صدد آن بود که نقش هر کدام از متغیرهای تیپ شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی را در پیش‌بینی سبک فرزندپروری در قالب تحلیل مسیر<sup>۶</sup> مورد بررسی قرار دهد. شکل ۱، مدل پیشنهادی اولیه را در خصوص روابط بین متغیرهای پژوهش از جمله: سبک‌های فرزندپروری، جهت‌گیری مذهبی و تیپ‌های شخصیتی نشان می‌دهد.

## روش

### نوع پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بود که در آن ابتدا روابط ساده بین انواع سبک‌های فرزندپروری با تیپ‌های شخصیتی (A,B,C,D) و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی مورد بررسی قرار گرفته، سپس از طریق تحلیل مسیر مبتنی بر تحلیل رگرسیون تأثیرگذارترین عوامل از بین انواع تیپ‌های شخصیتی و انواع جهت‌گیری مذهبی (به عنوان متغیرهای پیش‌بین<sup>۷</sup>) بر انواع سبک فرزندپروری (به عنوان متغیر ملاک<sup>۸</sup>) مورد بررسی قرار گرفته است.

### آزمودنی

**الف) جامعه آماری:** جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مادران نوجوانان ۱۸-۱۵ سال ساکن شهر همدان بودند.  
**ب) نمونه پژوهش:** از بین نوجوانان مشغول به تحصیل در مدارس با رنج سنی ۱۸-۱۵ سال به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای با توجه به تعداد متغیرهای مورد بررسی به حجم ۱۰۰ نفر انتخاب شدند. نمونه‌گیری به این صورت بود که در

تمایل به تجربه بالای عواطف منفی و مهار اجتماعی را [۲۶] و به عنوان یک تیپ شخصیتی آشفته تعریف شده است [۲۷] این تیپ با خطر فزاینده بیماری افسردگی، بیگانگی اجتماعی<sup>۲</sup>، اختلال در عملکردهای اجتماعی روزمره [۲۸] و خشم و اضطراب نیز همراه است [۲۹].

در کنار عوامل شخصیتی والدین به خصوص مادران، به نظر می‌رسد که معنویت و جهت‌گیری مذهبی<sup>۳</sup> خانواده و والدین نیز بر سبک فرزندپروری آنها تأثیرگذار باشد. معنویت از ابعاد مهم شخصیت انسان و دارای آثار ژرف و گسترده در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی زندگی اوست [۳۰] معنویت یکی از اساسی‌ترین و مهمترین مسائل در شخصیت سالم است و بالاترین قابلیت را برای ایجاد وحدت شخصیت داراست [۳۱] پس می‌تواند به عنوان یک عامل موثر در شخصیت و یا در کنار آن، بر نوع انتخاب سبک تربیتی والدین تأثیرگذار باشد.

به طوریکه پورنقاش تهرانی و همکاران [۳۲] و یزدانی زازانی [۳۳] در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که والدینی که از جهت‌گیری مذهبی بالاتری برخوردار بوده‌اند، در تربیت فرزندان خود موفق‌تر عمل کرده و والدینی که جهت‌گیری مذهبی پایین‌تری داشته‌اند ناموفق‌تر بوده و از سبک‌های فرزندپروری نادرستی استفاده نموده‌اند.

جهت‌گیری مذهبی، روی آورد کلی شخص است که از مذهب اتخاذ کرده است [۳۴] داشتن اعتقادات مذهبی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان‌شناختی<sup>۴</sup> همراه بوده [۳۵] و می‌تواند به عنوان عامل محافظی در برابر فشار روانی عمل کند [۳۶] آلپورت<sup>۵</sup> در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که دو نوع جهت‌گیری مذهبی وجود دارد که عبارتند از جهت‌گیری مذهبی درون‌گرایانه<sup>۶</sup> و جهت‌گیری مذهبی برون-گرایان<sup>۷</sup> [۳۴] افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند در درون مذهب زندگی می‌کنند و در هر جنبه از زندگی خود به مذهب متوسل می‌شوند. افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی هستند از مذهب برای شرکت در گروه، محافظت از خود، شرکت در موقعیت‌های اجتماعی، نشست‌های مذهبی و دفاع از خود استفاده می‌کنند [۳۷] افراد دارای مذهب درونی، سلامت روانی بالاتری دارند و افراد دارای مذهب بیرونی احتمالاً پیامدهای منفی‌تری را تجربه می‌کنند [۳۸].

حال با توجه به این‌که تربیت صحیح و اعمال سبک

<sup>6</sup> Introspective

<sup>7</sup> Extroverted

<sup>8</sup> Path analysis

<sup>9</sup> Predictor

<sup>10</sup> Criterion

<sup>1</sup> Control Social

<sup>2</sup> Social Alienation

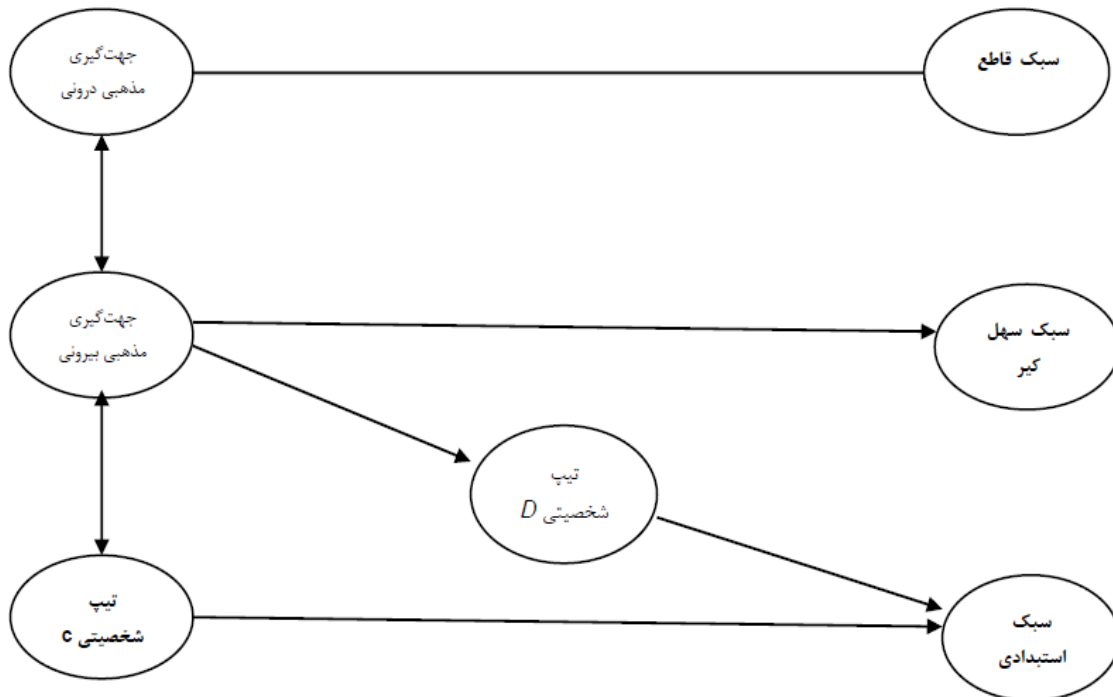
<sup>3</sup> religious orientation

<sup>4</sup> psychological

<sup>5</sup> Allport

جهت تکمیل ارائه شد. و برای تکمیل آن نیز محدودیت زمانی اعمال نشد. از ویژگی‌های جمعیت شناختی بررسی شده: شغل، میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی آن‌ها بود. شرایط ورود و ارائه پرسشنامه، داشتن حداقل تحصیلات سیکل و تسلط به خواندن و نوشتن جهت تکمیل پرسشنامه‌ها بود.

مرحله اول از بین نواحی آموزش و پرورش همدان از هر ناحیه ۳ مدرسه انتخاب شد و در مرحله بعدی از بین مدارس متوسطه انتخاب شده، از هر مدرسه ۲ کلاس انتخاب شد. و بعد از مشخص شدن دانش‌آموزان، از مادران آن‌ها دعوت به عمل آمد و پرسشنامه‌ها بعد از ارائه توضیحات مقدماتی در خصوص دلایل و اهداف پژوهش و در صورت رضایت آن‌ها،



شکل ۱. مدل پیشنهادی روابط بین متغیرهای پژوهش

تدوین شده و دارای ۵ خرده‌مقیاس شامل: اجتماعی (جلوگیری از تعارض<sup>۴</sup>)، احساسات (سرکوب احساسات)، خدمات رسانی (گذشت بیش از اندازه و خود قربان‌سازی)، جرأت‌مندی<sup>۴</sup> (فقدان جرأت مندی) و نیرو (نامیدی و درماندگی) می‌باشد. در این مقیاس از آزمودنی خواسته می‌شود که در مورد ۳۰ صفت، وضعیت خود را در قالب مقیاس لیکرت چهار گزینه‌ای («به ندرت» (۳)؛ «گاهی اوقات» (۲)؛ «اغلب اوقات» (۱) و «همیشه» (۰)) توصیف نماید. باگبی<sup>۵</sup> و همکارانش، روایی درونی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه نموده و برای زیر مقیاس اجتماعی ۰/۶۴، احساسات ۰/۷۸، خدمت‌رسانی ۰/۶۶، جرأت‌مندی ۰/۸۴ و نیرو ۰/۶۷ گزارش کرده‌اند [۴۰]. همچنین داوودی و همکاران در پژوهشی ضریب پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۴ گزارش کرده [۴۱] و خرده مقیاس‌های آن با آزمون‌های غربالگری تیپ A، مقیاس

## ابزارهای پژوهش

(۱) آزمون شخصیت تیپ A و B فریدمن و روزنمن (۱۹۵۹): این پرسشنامه که توسط فریدمن و روزنمن<sup>۱</sup> تهیه شده از ۲۵ گویه تشکیل شده که پاسخ آن‌ها به صورت دو گزینه‌ای (بلی و خیر) است. به هر پاسخ بلی یک نمره تعلق می‌گیرد و نمره بالاتر از ۱۳ نشانگر تیپ شخصیتی A و نمره کمتر از ۱۳ نشانگر تیپ B است. همچنین نمره کمتر از ۵ تمایل شدید به تیپ B و نمره بیش از ۲۰ تمایل شدید به تیپ A را نشان می‌دهد. اعتبار این آزمون در اکثر بررسی‌ها بالاتر از ۰/۷۰ و ۰/۸۰ بوده و در پژوهش شاکری‌نیا، پایایی پرسشنامه با سنجش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمده است [۳۹].

(۲) مقیاس تیپ شخصیتی C راهه و سولومون (۱۹۹۹): این مقیاس توسط راهه و سولومون<sup>۲</sup>

<sup>4</sup> Assertiveness  
<sup>5</sup> Bagbi

<sup>1</sup> Fridman & rozenmen  
<sup>2</sup> Rahe & Solomon  
<sup>3</sup> Conflict

شد. همچنین روایی محتوایی آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تأیید قرار گرفت [۴۷].

### شیوه انجام پژوهش

جمع‌آوری داده‌ها به صورت انفرادی و با حضور پژوهشگر انجام گرفت. و بعد از ارائه توضیحات مقدماتی در خصوص دلایل و اهداف پژوهش، از آزمودنی‌ها جلب رضایت می‌شد و در صورت رضایت وی، پرسشنامه‌ها جهت تکمیل به آنها ارائه می‌شد. برای تکمیل پرسشنامه‌ها هیچ‌گونه محدودیت زمانی اعمال نمی‌شد.

### شیوه تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو دسته تحلیل استفاده شد برای بررسی روابط ساده میان انواع سبک‌های فرزندپروری با تیپ‌های شخصیتی (A,B,C,D) و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی از ضریب همبستگی پیرسون<sup>۷</sup> و برای تعیین اثرگذارترین متغیرها از بین انواع تیپ‌های شخصیتی و انواع جهت‌گیری مذهبی از تحلیل مسیر مبتنی بر تحلیل رگرسیون<sup>۸</sup> استفاده شد تا روابط مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین با سبک‌های فرزندپروری مشخص شود. عملیات آماری فوق‌الذکر با استفاده از نرم افزار آماری -رپانه ای از «اس. پی. اس. اس.»<sup>۹</sup> نسخه ۱۶ صورت گرفت.

### نتایج

در این پژوهش تعداد ۱۰۰ نفر از مادران با میانگین سنی ۴۱/۷۱ و انحراف معیار ۴/۶۹ مورد مطالعه قرار گرفتند. جدول ۱ ویژگی‌های دموگرافیکی مادران نوجوانان ۱۵-۱۸ سال را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های دموگرافیکی نمونه‌های پژوهش

متغیرها	زیرگروه‌ها	فراوانی	درصد
شغل مادران	خانه‌دار	۵۹	۶۰/۸
	شاغل	۳۵	۳۶/۱
	سیکل	۱۴	۱۴/۴
تحصیلات مادران	دیپلم	۳۴	۳۵/۱
	فوق دیپلم	۱۱	۱۱/۳
	لیسانس	۲۸	۲۸/۹
	بالتر از لیسانس	۹	۹/۳
وضعیت اقتصادی خانواده	ضعیف	۱	۱/۰
	متوسط	۵۴	۵۵/۷

صفت شخصیتی مرتبط با افسردگی و پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک همبستگی معنی‌دار نشان داده است [۴۲].

۳) **مقیاس تیپ شخصیتی D دنولت (۱۹۹۸):** این مقیاس که توسط دنولت طراحی شده شامل ۱۴ ماده (۷ ماده برای ارزیابی عاطفه منفی<sup>۱</sup> و ۷ ماده برای ارزیابی بازداری اجتماعی<sup>۲</sup>) است که بر اساس یک مقیاس ۵ گزینه‌ای (درست، نسبتاً درست، نه درست نه نادرست، نسبتاً نادرست، نادرست) از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شوند. بدین ترتیب دامنه نمره‌های آزمودنی برای هر خرده‌مقیاس بین ۰ تا ۲۸ و برای کل مقیاس بین ۰ تا ۵۶ خواهد بود. دنولت همسانی درونی خرده‌مقیاس عاطفه منفی را ۰/۸۸ و خرده‌مقیاس بازداری اجتماعی را ۰/۸۶ گزارش کرده [۴۳] و ضریب اعتبار همزمان این مقیاس با مقیاس تیپ شخصیتی A، ۰/۶۳ گزارش شده است [۴۴]. پایایی این مقیاس در پژوهش احمد پور و همکاران، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دو نیمه سازی به ترتیب برابر بوده است با ۰/۸۵، ۰/۹۲، ۰/۸۴ [۴۵].

۴) **پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰):**

این مقیاس توسط آلپورت و راس<sup>۳</sup> برای سنجش جهت‌گیری های درونی و بیرونی مذهب تهیه شد. این آزمون شامل ۲۱ عبارت لیکرتی پنج‌گزینه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) است این مقیاس در سال ۱۳۷۸ در ایران ترجمه و هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن توسط جان‌بزرگی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ گزارش شده است. اعتبار این مقیاس نیز بر روی ۴۵ دانشجو در دانشگاه‌های تهران معادل ۰/۷۳۷ گزارش شده است [۴۶].

۵) **پرسشنامه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲):** این

پرسشنامه که توسط دیانا بامریند<sup>۴</sup> طراحی شده شامل ۳۰ عبارت است که ۱۰ عبارت آن به شیوه مستبدانه و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه قاطع و اطمینان‌بخش و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه سهل‌گیرانه مربوط می‌شود. با جمع نمرات عبارات مربوط به هر شیوه یک نمره بین ۰ تا ۴۰ برای هر سطح شیوه‌های فرزندپروری بدست می‌آید. در پژوهشی که توسط اسفندیاری، انجام شد پایایی آزمون<sup>۵</sup> برای نمونه ای از مادران جمعیت مورد مطالعه به شیوه بازآزمایی<sup>۶</sup> و با فاصله زمانی یک هفته به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳ گزارش

<sup>۶</sup> ReTest

<sup>۷</sup> Pearson correlation coefficient

<sup>۸</sup> Path analysis based on regression

<sup>۹</sup> SPSS-16

<sup>۱</sup> Negative Affect

<sup>۲</sup> Social inhibition

<sup>۳</sup> Allport & Rass

<sup>۴</sup> Bumrind

<sup>۵</sup> Test reliability

شخصیتی D ( $r = -0/24$ ) و جهت‌گیری مذهبی درونی  
 رابطه دارند. ( $r = 0/42$ )

جدول ۲ نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری سهل‌گیر  
 با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ( $r = 0/23$ )؛ سبک فرزندپروری  
 استبدادی با تیپ شخصیتی C ( $r = 0/30$ ) و تیپ  
 شخصیتی D ( $r = 0/36$ ) و سبک فرزندپروری قاطع با تیپ

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی تیپ شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های فرزندپروری مادران

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- تیپ شخصیتی A و B	۱۱/۰۸	۳/۹۸		-۰/۱۳	**۰/۳۴	۰/۱۵	۰/۱۳	-۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۰۴
۲- تیپ شخصیتی C	۳۷/۶۰	۶/۸۶			۰/۰۴	-۰/۱۴	۰/۰۳	-۰/۱۵	**۰/۳۰	-۰/۱۸
۳- تیپ شخصیتی D	۱۸/۸۱	۹/۱۰				-۰/۱۱	**۰/۳۷	۰/۰۱	**۰/۳۶	*۰/۲۴
۴- جهت‌گیری مذهبی درونی	۴۰/۵۱	۸/۱۸					-۰/۱۵	۰/۰۱	-۰/۱۴	**۰/۴۲
۵- جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۲۱/۴۳	۵/۴۲						*۰/۲۳	*۰/۲۳	-۰/۱۶
۶- سبک فرزندپروری سهل‌گیر	۱۶/۶۶	۴/۳۷							۰/۰۶	-۰/۰۳
۷- سبک فرزندپروری استبدادی	۱۴/۹۱	۵/۵۷								-۰/۳۹**
۸- سبک فرزندپروری قاطع	۳۰/۷۴	۶/۶۱								

جدول ۳. ضرایب مسیر تیپ‌های شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی بر سبک‌های فرزندپروری

متغیرها	سهل‌گیر		استبدادی		قاطع	
	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری
۱- تیپ شخصیتی A و B	-۰/۰۹۴	۰/۳۹۷	۰/۱۲۷	۰/۲۰۰	۰/۰۳۲	۰/۷۴۹
۲- تیپ شخصیتی C	-۰/۱۵۶	۰/۱۳۷	۰/۳۲۴	۰/۰۰۱	-۰/۱۲۵	۰/۱۹۲
۳- تیپ شخصیتی D	-۰/۰۱۰	۰/۹۲۸	۰/۲۹۴	۰/۰۰۴	-۰/۱۹۸	۰/۰۵۳
۴- جهت‌گیری مذهبی درونی	۰/۰۳۸	۰/۷۲۲	-۰/۰۵۵	۰/۵۶۲	۰/۳۷۱	۰/۰۰۱
۵- جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۰/۲۴۶	۰/۰۲۲	۰/۱۵۸	۰/۰۹۷	-۰/۰۶۶	۰/۴۹۳

جدول ۴. ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش (ضرایب مسیر غیرمستقیم برای سبک‌های فرزندپروری)

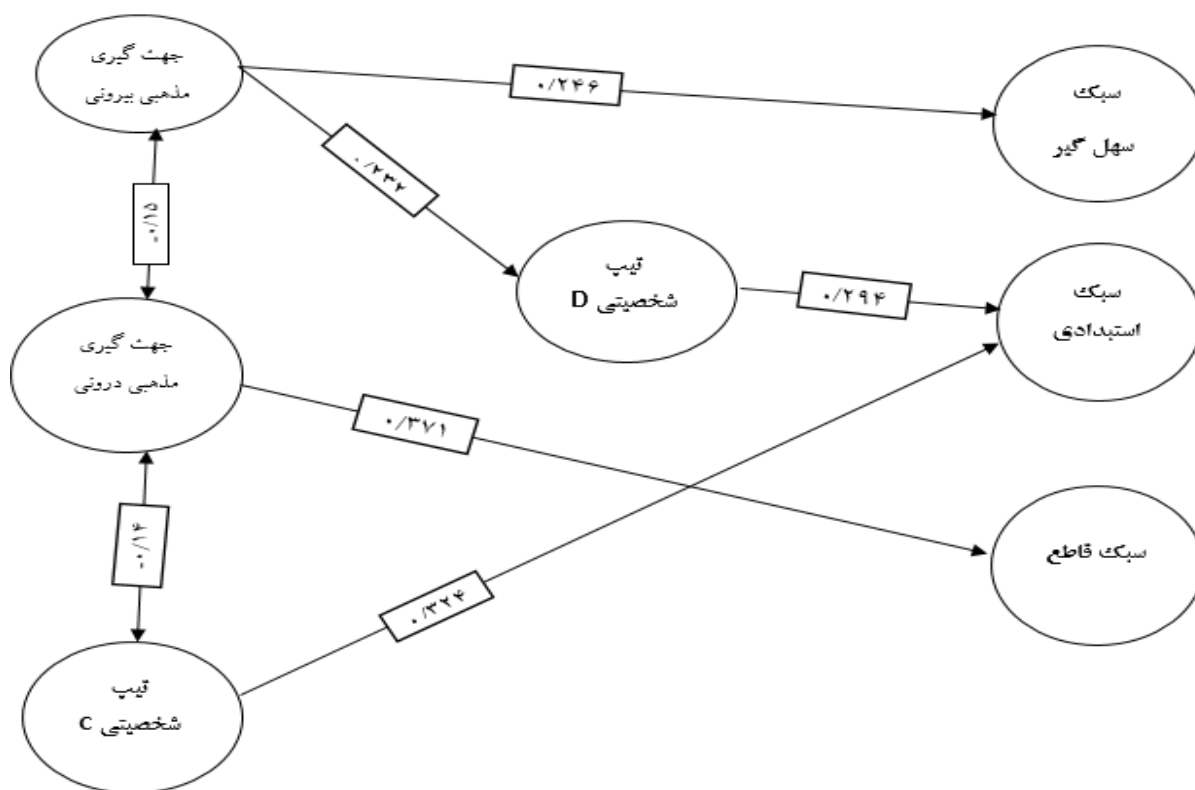
متغیرها	تیپ شخصیتی A و B		تیپ شخصیتی C		تیپ شخصیتی D		جهت‌گیری مذهبی درونی		جهت‌گیری مذهبی بیرونی	
	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری
۱- تیپ شخصیتی B و A	-	-	-۰/۱۰۶	۰/۲۷۹	۰/۳۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۸۰	۰/۰۷۰	۰/۰۷۱	۰/۴۷۹
۲- تیپ شخصیتی C	-۰/۱۲۲	۰/۲۷۹	-	-	۰/۰۲۳	۰/۸۳۸	-۰/۱۲۲	۰/۲۵۷	۰/۰۳۱	۰/۷۷۲
۳- تیپ شخصیتی D	۰/۳۳۰	۰/۰۰۱	۰/۰۲۰	۰/۸۳۸	-	-	-۰/۱۲۲	۰/۲۱۶	۰/۲۱۰	۰/۰۳۴
۴- جهت‌گیری مذهبی درونی	۰/۱۹۸	۰/۰۷۰	-۰/۱۱۶	۰/۲۵۷	-۰/۱۳۷	۰/۲۱۶	-	-	-۰/۱۲۹	۰/۲۲۰
۵- جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۰/۰۷۷	۰/۴۷۹	۰/۰۳۰	۰/۷۷۲	۰/۲۳۲	۰/۰۳۴	-۰/۱۲۷	۰/۲۲۰	-	-

مذهبی درونی ( $B = 0/371$ ) با سبک فرزندپروری قاطع دارای  
 ضریب مسیر مستقیم هستند. که در مورد سبک فرزندپروری  
 استبدادی سهم تیپ شخصیتی C بیشتر از تیپ شخصیتی  
 D است.

با توجه به جدول ۳ از بین همه متغیرهای پژوهش،  
 جهت‌گیری مذهبی بیرونی ( $B = 0/246$ ) با سبک فرزندپروری  
 سهل‌گیر، تیپ شخصیتی C ( $B = 0/324$ ) و تیپ شخصیتی  
 D ( $B = 0/294$ ) با سبک فرزندپروری استبدادی و جهت‌گیری

است. ( $P < 0/05$  یا  $P < 0/01$ ).

چنانچه در جدول ۴ ملاحظه می‌شود بر تیپ شخصیتی D جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارای ضریب مسیر معنادار



شکل ۲. مدل نهایی تحقیق

بیشتر می‌شود و همین‌طور مادران تیپ D از سبک فرزندپروری قاطع استفاده نمی‌کنند و هرچه به این تیپ متمایل‌تر باشند امکان انتخاب این نوع سبک فرزندپروری نیز کمتر می‌شود.

گرچه ارتباط بین این نوع تیپ‌شناسی شخصیتی مادران یعنی تیپ‌های شخصیتی A.B.C.D با سبک‌های فرزندپروری تا به حال مورد بررسی قرار نگرفته ولی این یافته با نتایج تعدادی از تحقیقات انجام گرفته در زمینه‌ی رابطه شخصیت و سبک‌های فرزندپروری همسو می‌باشد. به طوریکه، اسمخانی اکبری نژاد و همکاران [۱۸]، در پژوهشی به بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری در والدین پرداختند نتایج پژوهش نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری و تیپ شخصیتی رابطه معنی‌داری وجود دارد. پژوهش استاد علی و نفیس [۱۹]. تحت عنوان بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با تیپ شخصیتی درون‌گرا<sup>۱</sup> و برون‌گرا<sup>۲</sup> نیز نشان داد که بین شیوه فرزندپروری (مقتدر، استقلال آموز، مسامحه کار و قدرت طلب) و شخصیت برون‌گرا و درون‌گرا رابطه وجود دارد. بشارت و همکاران [۱۷]، در

شکل ۲ نشان می‌دهد که تیپ شخصیتی C و D با سبک فرزندپروری استبدادی به‌طور مستقیم رابطه دارند، جهت‌گیری مذهبی درونی به‌طور مستقیم با سبک فرزندپروری قاطع رابطه دارد و جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری سهل‌گیر به‌طور مستقیم و با سبک فرزندپروری استبدادی به‌طور غیر مستقیم و از طریق تیپ شخصیتی D به‌عنوان یک متغیر میانجی رابطه دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تحلیل مسیر سبک فرزندپروری مادران با مؤلفه‌های تیپ شخصیتی (A.B.C.D) و جهت‌گیری مذهبی آن‌ها بود. قسمتی از نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در روش تحلیل مسیر از بین تیپ‌های شخصیتی A، B، C و D، تیپ‌های شخصیتی C و D مادران با سبک فرزندپروری استبدادی رابطه مثبت و مستقیم دارند و جدول ضرایب همبستگی پیرسون نیز نشان داد که تیپ D همچنین با سبک فرزندپروری قاطع رابطه منفی دارد. یعنی هرچه تیپ شخصیتی مادران بیشتر به سمت C و D متمایل باشد، امکان استفاده از سبک فرزندپروری استبدادی

<sup>2</sup> Extravert

<sup>1</sup> Introverted

فرزندپروری قاطع استفاده کنند. از طرفی به دلیل نگرانی زیاد و داشتن شخصیت گوش به زنگی توأم با اضطراب نمی‌توانند نسبت به فرزندانشان نیز سهل‌گیر باشند. نتیجه این عمل منجر به، استفاده از سبک فرزندپروری توأم با اعمال دستور، کنترل نایجا و ندادن استقلال شخصی که از ویژگی‌های سبک فرزندپروری استبدادی محسوب می‌شوند، می‌شود.

همچنین قسمت دوم نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری قاطع رابطه‌ی مثبت معنادار و مستقیم دارد و جدول ضرایب همبستگی پیرسون نیز نشان داد که با سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر رابطه‌ی ندارد و جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز با سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر به طور مستقیم و با سبک فرزندپروری استبدادی به طور غیر مستقیم و از طریق تیپ شخصیتی D رابطه دارد و جدول ضرایب همبستگی پیرسون نیز نشان داده است که با سبک فرزندپروری قاطع رابطه‌ی ندارد و این بدین معناست که اگر جهت‌گیری مذهبی مادران از نوع درونی باشد آن‌ها از سبک فرزندپروری قاطع استفاده می‌کنند و اگر از نوع بیرونی باشد در صورتی که تیپ شخصیتی مادر از نوع D باشد از سبک فرزندپروری استبدادی استفاده می‌کند و در غیر این صورت سبک انتخابی آن می‌تواند از نوع سهل‌گیر باشد. که در مورد رابطه جهت‌گیری مذهبی با سبک فرزندپروری نیز یافته‌های پژوهش با نتایج برخی از پژوهش‌های یافت شده همخوان و با برخی ناهمخوان می‌باشد. به طوریکه، پورنقاش تهرانی و همکاران [۳۲] در تحقیقی به بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک‌های فرزندپروری پرداختند نتایج نشان داد که والدینی که واجد جهت‌گیری مذهبی بالاتری هستند، از سبک قاطع در تربیت فرزندانشان خود استفاده می‌کنند و والدینی که جهت‌گیری مذهبی پایین‌تری دارند، از سبک‌های مستبد و سهل‌گیر در فرزندپروری برخوردارند. یزدانی زازرانی [۳۳] نیز در تحقیقی دیگر به بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با جهت‌گیری مذهبی والدین پرداخت و نشان داد که همبستگی مثبت قابل قبولی بین جهت‌گیری مذهبی و سبک فرزندپروری مقتدرانه وجود دارد و بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با جهت‌گیری مذهبی رابطه معناداری وجود نداشته و بین سبک استبدادی و جهت‌گیری مذهبی رابطه منفی معناداری وجود داشته است.

اما از نتایج ناهمخوان با یافته‌های این پژوهش می‌توان به پژوهش گراسمیک<sup>۶</sup> و همکاران [۴۸]، اشاره کرد که به این

تحقیقی دیگر تحت عنوان رابطه کمال‌گرایی<sup>۱</sup> والدین با سبک‌های فرزندپروری نیز نشان دادند که ابعاد کمال‌گرایی با سبک‌های فرزندپروری رابطه دارد و در آخر هور<sup>۲</sup> و همکاران [۲۰] نیز در تحقیقی تحت عنوان شخصیت و سبک فرزندپروری در پدر و مادران نوجوانان به بررسی رابطه بین شخصیت پدر و مادر و شیوه‌های فرزندپروری والدین پرداخته و رابطه بین این دو متغیر را تأیید کردند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که مادران دارای تیپ شخصیتی D به دلیل داشتن یک شخصیت آشفته و همچنین داشتن ویژگی‌هایی نظیر افسردگی، اضطراب، استرس<sup>۳</sup>، خشم و بدبینی<sup>۴</sup> و بیگانگی اجتماعی<sup>۵</sup> و روان رنجورخویی، مستعد استفاده از یک سبک فرزندپروری افراطی دیکتاتورانه می‌باشند، همچنین این افراد از این که مورد نارضایتی و عدم پذیرش قرار گیرند، بیزارند. که خود این امر سبب نوعی وسواس در تربیت فرزندانشان و انتخاب نوعی تربیت خشک جهت رعایت تمامی ضوابط توسط فرزندانشان می‌شود. بنابراین این افراد با توجه به ویژگی‌های ذکر شده نمی‌توانند همانند دیگران با تیپ‌های شخصیتی دیگر آزادی عمل به فرزندانشان خود بدهند که ممکن است از دلایل دیگر آن بدبینی و یا بیگانگی اجتماعی آن‌ها باشد که این عدم اعتماد، خود باعث کنترل بیش از حد، که از ویژگی‌های سبک استبدادی است می‌شود. و همین‌طور افراد تیپ C یک شخصیت گوش به زنگ دارند که بیش از سایر افراد دچار اختلالات هیجانی، افسردگی، اضطراب و حالت‌های خصمانه می‌گردند که مجموعه این حالات در درون این افراد وجود دارد بطوریکه در ظاهر افرادی آرام و صبور نشان داده می‌شوند. این افراد ظرافت و باریک بینی آسیب‌شناختی بالایی دارند و بیشتر از اینکه نگران خود باشند نگران سایر اعضای خانواده و دوستان هستند. تیپ C به دلیل شخصیت ناآرامی که از درون دارد مستعد استفاده از سبک فرزندپروری استبدادی می‌باشد ضمن اینکه این افراد به دلیل نگرانی نسبت به اطرافیان، بیشتر سعی در کنترل کردن آن‌ها را دارند که خود از ویژگی‌های سبک فرزندپروری استبدادی است. این افراد با فرزندانشان خود به ندرت وارد بحث و مشاجره می‌شوند و نیازها و احساسات خود را بیان نمی‌کنند در نتیجه نمی‌توانند دلیل کاری را که از فرزند خود انتظار دارند توضیح دهند و یا دلیل رفتار او را جویا باشند. بنابراین این افراد به دلیل اینکه در بیان نیازها و احساسات خود مشکل دارند و به ندرت وارد بحث و مشاجره می‌شوند نمی‌توانند از سبک

<sup>4</sup> Pessimism

<sup>5</sup> Asociality

<sup>6</sup> Grasmick

<sup>1</sup> Perfectionism

<sup>2</sup> Huver

<sup>3</sup> Stress



آرامش درونی نمی‌باشند زیرا از مذهب بیشتر در جهت حفظ منافع خود استفاده می‌کنند و اعتقاد راسخ به آن ندارند. در نتیجه این افراد اضطراب و تنش بیشتری را در برخورد با مسائل تجربه می‌کنند و این اضطراب، نگرانی و تشویش درونی باعث می‌شود سعی در اعمال کنترل بیشتری را در روابط با فرزندان‌شان داشته باشند و بیشتر به استفاده از شیوه‌های افراطی در تربیت فرزند خود روی بیاورند.

و در قسمت آخر طبق نتیجه به دست آمده از مدل تحلیل مسیر در خصوص رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و شخصیت که رابطه تیپ شخصیتی D را به عنوان متغیر میانجی بین جهت‌گیری مذهبی و سبک فرزندپروری نشان داده است. پژوهش‌هایی صورت گرفته که می‌تواند مؤید نتایج به دست آمده از این مدل باشند. به طوریکه، زره پوش و همکاران [۵۰]، در تحقیقی به بررسی جهت‌گیری مذهبی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان بر اساس پنج عامل شخصیت پرداختند، نتایج پژوهش نشان داد که رگه‌های شخصیتی با جهت‌گیری مذهبی رابطه دارد. والا و جمالی آرائی [۵۱]، نیز در تحقیقی به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای دینی مورد مطالعه کارکنان یگان‌های ویژه ناجا پرداختند. نتایج نشان داد که بین عمل به باورهای دینی با ویژگی‌های شخصیتی رابطه معناداری وجود دارد. فرانسس<sup>۲</sup> [۵۲]، نیز در تحقیقی با عنوان بررسی شخصیت و جهت‌گیری مذهبی نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی در مقیاس روان‌پریشی‌گرایی<sup>۳</sup> پایین اما مستقل از برون‌گرایی و روان-رنجورخویی<sup>۴</sup> است و جهت‌گیری مذهبی بیرونی نیز در مقیاس روان‌پریشی‌گرایی پایین اما در مقیاس روان‌رنجورخویی بالا است و مستقل از مقیاس برون‌گرایی است. که در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان ذکر کرد که مادران با جهت‌گیری مذهبی بیرونی بیشتر احتمال دارد که دارای تیپ شخصیتی D باشند. که شاید بتوان دلیل آن را این دانست که مادران با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، چون به معنای ذاتی و واقعی مذهب نرسیده‌اند نمی‌توانند آن آرامش و سلامت روانی خوب و متعادل لازم را داشته باشند که این خود می‌تواند سبب ایجاد تیپ شخصیتی با ویژگی‌های اضطراب، افسردگی، بیگانگی اجتماعی، خشم و غیره که از ویژگی‌های تیپ شخصیتی D می‌باشند شود. به طوریکه در تحقیقات مختلف نیز نشان داده شده است که مذهب با سلامت روح و روان در ارتباط است و سبب ایجاد وحدت شخصیت در افراد می‌شود. در نتیجه، نداشتن آن سبب ایجاد حسی از ناامنی و به وجود آمدن ویژگی‌هایی که نشانه عدم

نتیجه رسیدند که افراد بسیار مذهبی در مقایسه با افراد کمتر مذهبی، بیشتر سبک فرزندپروری مستبدانه به کار می‌گیرند. و همچنین دانسو<sup>۱</sup> و همکاران [۴۹]، در مطالعه‌ای دیگر نشان دادند که افرادی که معتقد به اصول مسیحیت می‌باشند، بیشتر خواهان اطاعت مطلق کودک از والدین خود می‌باشند. و کمترین میزان خود مختاری را برای کودکان خود قایل هستند.

در تبیین نتایج بدست آمده و تحقیقات صورت گرفته در خصوص رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک فرزندپروری نیز می‌توان گفت، که تفاوت‌های فرهنگی و از همه مهمتر تفاوت در ادیان سبب بدست آمدن نتایج متناقضی شده است. در مذهب اسلام، قرآن مجید، علاوه بر توصیه به فرزندان به اطاعت از پدر و مادر، همواره والدین را به مشورت با فرزندان و احترام به خواسته‌های آن‌ها دعوت می‌نماید به طوریکه اسلام شخصیت و آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر آن هم با رعایت احترام و کسب نظر از فرزندان و احترام به علایق و سلاقی آنها می‌داند. و بر تعلیم و تربیت توأم با محبت تاکید ورزیده است که خود نشانگر استفاده از سبک فرزندپروری مناسب می‌باشد. و از آنجا که این پژوهش در جامعه ایران با مذهب اسلام صورت گرفته خود می‌تواند دلیلی بر یافته‌های بدست آمده از نتایج این پژوهش باشد. و دلیل تناقض با تحقیقات دیگر می‌تواند، تفاوت در نوع فرهنگ و دید متفاوت ادیان دیگر به این منظر باشد. در تبیین نوع جهت‌گیری مذهبی و نوع سبک فرزندپروری انتخابی نیز، می‌توان گفت که دلیل استفاده مادران دارای جهت‌گیری مذهبی درونی از سبک فرزندپروری قاطع می‌تواند این باشد که برقراری رابطه صمیمانه با خداوند و مذهب قادر است تا تغییرات عمیق شخصیتی را پدیدار ساخته و شکل متفاوتی از شخصیت را سازمان‌دهی کند و یک ثبات شخصیت و حس اطمینان درونی توأم با حس منطق را در آن‌ها ایجاد کند. در نتیجه، مادران دارای این نوع جهت‌گیری مذهبی به دلیل شخصیت با ثبات، آرامش درونی و توکل بر نیروی ماورایی می‌توانند آزادی و اختیار بیشتری را توأم با نظارت و کنترلی بجا به فرزندان خود بدهند که در نتیجه آن می‌توان گفت مادران با جهت‌گیری مذهبی درونی از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک مناسب‌تر و با اعتدال تری را تحت عنوان سبک فرزندپروری قاطع انتخاب می‌کنند و اما جهت‌گیری مذهبی بیرونی در مقایسه با جهت‌گیری مذهبی درونی، افرادی را شامل می‌شود که به اندازه افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، دارای اطمینان خاطر و

<sup>3</sup> Psychoticism<sup>4</sup> Neuroticism<sup>1</sup> Danso<sup>2</sup> Francis

خانواده، شماره ۱۴، صص ۶۳-۴۷.

۴- خلیلی فر، مینا؛ کاظمی، سلطان علی و جاویدی، حجت اله (۱۳۹۳). نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک‌های فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایه‌ی سوم دوره‌ی دبیرستان شهر شیراز. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۷۳-۵۹.

5- Schofield, T.J., Holst, M.E & Murphy, S.K, (2016), Associations between Parenting and Mental Health. Associations between Parenting and Mental Health. pp: 98-104.

۶- کریمیان، حسین (۱۳۸۷). نگاهی به بزهکاری نوجوانان و جوانان، نشریه معرفت، سال ۱۷، شماره ۱۲۶، صص ۱۵۶-۱۴۱.

7-Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguin, D. G., and Moulton, C. (2002). Eauthoritative and authoritarian mother's parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. Parenting, Science and Practice, vol2, pp: 1-26.

۸- درخشانی‌پور، فیروزه؛ خاکی، سعیده؛ شاهینی، نجمه، وکیلی، محمدعلی و ثاقبی، سیدعلی (۱۳۹۵). ارتباط سلامت روانی مادران با سبک فرزندپروری در کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی و نقص توجه. مجله‌ی اصول بهداشت روانی، سال ۱۸، شماره ۳، صص ۱۵۱-۵.

۹- مومنی، فرشته و امیری، شعله (۱۳۸۶). بررسی رابطه میان انواع سبک‌های فرزندپروری والدین و بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۴-۱۷ ساله شهر اصفهان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۷۸۹-۷۷۵.

۱۰- قنبری، سعید؛ نادعلی، حسین و سید موسوی، پریسا (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های فرزندپروری با نشانه‌های درونی‌سازی شده در کودکان. مجله علوم رفتاری، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۷۲-۱۶۸.

۱۱- سپهریان آذر، فیروزه و اسدی مجره، سامره (۱۳۹۳). آزمون مدل ارتباطی محیط هیجانی خانواده با استرس ادراک شده: نقش میانجی دشواری‌های تنظیم هیجان. روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، سال ۲۲، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۰۰.

۱۲- فرتاش، سهیلا (۱۳۹۳). مدل ساختاری روابط میان سبک‌های فرزندپروری والدین با سبک‌های هویت و تعهد هویت نوجوانان. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۵، صص ۹۹-۸۱.

سلامت روان است می‌شود که از آن می‌توان به مجموع ویژگی‌های تیپ شخصیتی D اشاره کرد. و شاید بتوان این رابطه را دو سویه نیز دانست یعنی مادران دارای تیپ شخصیتی D با ویژگی‌های ذکر شده بیشتر مستعد انتخاب جهت‌گیری مذهبی از نوع بیرونی می‌باشند که ضرایب مسیر به دست آمده بین این دو متغیر نشان‌دهنده آن است که تأثیر جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر روی تیپ شخصیتی D بیشتر از تأثیر تیپ شخصیتی D بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی است. یعنی مادران دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی بیشتر دارای ویژگی‌هایی از نوع تیپ شخصیتی D می‌شوند، که نتایج در غالب نمودار تحلیل مسیر نیز نشان داده شده است. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهشی به مادران نوجوانان ۱۸-۱۵ سال ساکن شهر همدان اشاره کرد. که با توجه به تفاوت‌های جنسیتی قابلیت تعمیم به والد پدر را ندارد. لذا پیشنهاد می‌شود که جهت افزایش تعمیم‌پذیری نتایج در تحقیقات آتی از نمونه‌های متعلق به جنس مخالف یا نمونه‌های هر دو جنس استفاده شود و در سایر مناطق نیز تحقیقات مشابهی صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی علاوه بر ابزار خودگزارشی از ابزارهای دیگر مانند مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شود. به لحاظ کاربردی نیز این مطالعه اگرچه یک طرح مداخله‌ای نیست اما چارچوب نظری و پایه عملکرد برای طرح‌های مداخله‌ای را دارد و پیشنهاد می‌شود در راستای پیشگیری از صدمات وارده بر فرزندان که می‌تواند ناشی از انتخاب سبک‌های فرزندپروری نادرست والدین باشد، از برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه مادران، جهت آگاهسازی آنها از تأثیرات شخصیت و جهت‌گیری مذهبی آن‌ها روی فرزندان استفاده شود.

## منابع

۱- فرخی، الهام و سبزی، ندا (۱۳۹۴). شادکامی و ادراک الگوهای ارتباطی خانواده: نقش واسطه‌ای سرمایه روان‌شناختی، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۳۲۳-۳۱۳.

۲- کجاف، محمدباقر؛ عربی، حمیدرضا؛ امیری، شعله و کهنوجی، رخساره (۱۳۸۹). اثربخشی خانواده‌درمانی شناختی-رفتاری بر مشکلات رفتاری کودکان خانواده‌های در معرض طلاق. روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار) سابق، سال ۳، شماره ۴، صص ۸-۱.

۳- صدیقی ارفعی، فریبرز؛ تمنایی فر، محمدرضا و نائینی فرد، زهرا (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فصلنامه

- پزشکی کردستان، شماره ۱۱، صص ۳۱-۲۶.
- 24-Zetu, I., Iacob, M., L. Dumitrescu, A & Zetu, L, (2013), Type C Coping, Self-Reported Oral Health Status and Oral Health- Related Behaviors. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, vol. 78, pp: 491 – 495.
- 25-Jadoulle, V., Ogez, D & Rokbani, L, (2004), Cancer, a defect of the psyche? *Bulletin du cancer*, vol.91, no.3, pp: 249-256.
- 26-Armon, g. (2014).Type D personality and job burnout: The moderating role of physical activity *Personality and Individual Differences*. Vol. 58, pp: 112-115
- 27-Londen, F. A, (2008), Type D personality: Predictor of general psychological distress after military deployment? (Master's thesis, Utrecht University).
- 28-Denollet J, Sys SU, Brutsaert DL, (1995), Personality and mortality after myocardial infarction. *J Psychosom Med*. Vol.57, pp: 582-91.
- 29-Denollet J. (1998). Personality and coronary heart disease: the ype-D Scale (DS16). *Annal Beh Med*. Vol. 20, pp: 209-15.
- ۳۰- هادیان، سید علی؛ غروری راد، سید محمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲)، تاثیرات والدین بر دینداری فرزندان از منظر روانشناسی دین، دو فصلنامه علمی- پژوهشی، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال هفتم، شماره سیزدهم، صص ۴۶-۲۵.
- ۳۱- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ اورکی، محمد؛ برقی ایرانی، زیبا و کیاراد، سیده کیمیا (۱۳۹۰)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با از خود بیگانگی، افسردگی و اضطراب مرگ در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران، سال پانزدهم، شماره چهارم، صص ۱۸۰-۱۶۵.
- ۳۲- پور نقاش تهرانی، سعید؛ غلامی جلیسه، سمیه؛ بهرامی احسان، هادی و رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷). بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک‌های فرزندپروری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ۳۳- یزدانی زازرانی، صفورا (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با جهت‌گیری مذهبی والدین. همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مرودشت، شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان.
- ۳۴- عبدالملکی، سعید (۱۳۹۳). تحلیل روانی جهت‌گیری مذهبی. نشریه تبیان، سال ۲، شماره ۷۸، صص ۱۰۳-۱۰۰.
- 13-Mathijssen JJ, Koot HM, Verhulst FC, et al, (1998), The relationship between mutual family relations and child psychopathology. *J Child Psychol Psychiatry*.
- ۱۴- میرزایی، مهشید؛ چهرزاد، مینومیترا و یعقوبی، یاسمن (۱۳۸۸). سبک‌های فرزندپروری والدین شهر رشت. دو فصلنامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان، سال ۱۹، شماره ۶۱، صص ۳۱-۲۷.
- 15-Lambourn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian
- ۱۶- موسوی، پرینا؛ نادعلی، حسین و قنبری، سعید (۱۳۸۷). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برونی سازی شده در کودکان ۷ تا ۹ سال. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۴۹-۳۷.
- ۱۷- بشارت، محمدعلی؛ عزیزی، کوروش و حسینی، اسماء (۱۳۸۹). رابطه کمال‌گرایی والدین و سبک فرزندپروری. پژوهش در نظام‌های آموزشی، سال ۴، شماره ۸، صص ۲۹-۹.
- ۱۸- اسمخانی اکبری نژاد، صابر؛ آقازاده، ویدا و اسبقی، بهزاد (۲۰۱۳). بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری در والدین دارای تحصیلات متوسطه شهر تبریز. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، همایش بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان.
- ۱۹- استاد علی، احمد و نفیس، غلام رضا (۱۳۸۴). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با تیپ شخصیتی درون‌گرا و برون‌گرا. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.
- 20-Huver, RM., Otten, R., de Vries, H & Engels, RC. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence* vol.33, no.3, PP: 395-402.
- 21-GhorbaniAmir, H., AhmadiGatab, T & shayan, N, (2011), Relationship between Type A Personality and Mental Health. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, vol. 30, pp: 2010 – 2018.
- ۲۲- رضاخانی، سیمین دخت (۱۳۹۱). شیوه‌های کنار آمدن تیپ‌های مختلف شخصیتی با فشارهای روانی. مطالعات روان‌شناختی، سال ۸، شماره ۲، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- ۲۳- کوچکسرای، فاطمه؛ اکبرزاده، فریبرز و خانوشی، مرضیه (۱۳۸۵). بررسی تیپ شخصیتی A در بیماران دارای افزایش فشار خون مراجعه کننده به کلینیک مرکز آموزشی درمانی سینا و شهید مدنی تبریز. مجله علمی دانشگاه علوم

- relationship with coronary heart disease. Knowledge and research in psychology; pp: 32-37-60.
- ۴۶- جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸). «بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت با و بدون جهت گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنیدگی». پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴۷- مومنی، فرشته و امیری، شعله (۱۳۸۶). بررسی رابطه میان انواع سبک‌های فرزندپروری والدین و بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۷-۱۴ ساله شهر اصفهان. فصلنامه خانواده پژوهی، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۷۷۵-۷۸۹.
- 48-Grasmick, Hg, Morgan, C. S., & Kennedy, M.b, (1992), Support for corporal punishment in the schools: a comparision of the effect socioeconomic status and religion. Social science quarterly, vol.50, pp: 264-269.
- 49-Danso, H., Handsberger, B., and Pratt, M. (2001). The role of parent religious fundamentalism and rightwing autoritarinism in child- rearing goals and practices. Journal for the scientific study of religion, pp: 496-511.
- ۵۰- زره پوش، اصغر؛ کجیاف، محمدباقر؛ حشمتی‌فر، لیلا؛ صادقی هسینجه، امیرحسین و امید، حامد (۱۳۹۳). بررسی جهت‌گیری مذهبی/اسلامی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان بر اساس پنج عامل شخصیت (NEO). مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سال ۳، شماره ۱۹، صص ۷۶-۶۸.
- ۵۱- والا، رضا و جمالی آرائی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای دینی مورد مطالعه کارکنان یگان‌های ویژه ناجا. بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۹، صص ۱۱۱-۸۳.
- 52- Francis, L, (2010), Personality and religious orientation: shifting sands or firm foundations? Mental Health, Religion & Culture. Vol. 13, no. 7-8, PP: 793-803.
- 35-Maltby J, Alen LC, Day L, (2010), Religious orientation and psychological well-being: the role of the frequency of personal prayer. British Journal of healt psychology, vol.4, no.4, pp: 363-378.
- 36-Bhugra D, (2010), Commentary: Religion, Rligious attitudes and suside. International Journal of Epidemiology. Vol. 39, no.6, pp: 1496-98
- ۳۷- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ اورکی، محمد؛ برقی ایرانی، زیبا و کیاراد، کیمیا (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با از خود بیگانگی، افسردگی و اضطراب مرگ در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران، سال پانزدهم، شماره چهارم، صص ۱۶۵-۱۸۰.
- 38-Gorsuch, R.L, (1988), Psychology of Religion, Annual Review of Psychology, vol.39, pp: 201-221.
- ۳۹- شاکری‌نیا، ایرج (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان و پرخاشگری با عادات رانندگی در رانندگان پر خطر. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۶۱-۷۴.
- 40- Hosaka, T., Fukunishi, I., Aoki, T., Rahe, R. H. & Solomon, G.E. (1999). Development of a "Type C" Iventory: Cross-Cultural Applications. Tokai J Exp Clin Med. vol. 24, pp: 73-76.
- ۴۱- داودی، ایران؛ صفی‌خانی، آرامه و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۸). بررسی سیستم‌های مغزی-رفتاری به عنوان پیش‌بین‌های تیپ‌های شخصیتی A.C و D، مجله دست-آورد‌های روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، دوره چهارم، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۱۱۲-۸۷.
- ۴۲- بشرپور، سجاد (۱۳۹۴)، صفات شخصیت (نظریه و آزمون)، چاپ اول، تهران: انتشارات ساوالان.
- ۴۳- ذوالجناحی، اهداء و وفایی، مریم (۱۳۸۵). رابطه بین تیپ شخصیتی D با سیستم های بازداری رفتاری و فعال ساز رفتاری. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۲ و ۳، صص ۱۳۳-۱۱۴.
- ۴۴- ابوالقاسمی، عباس؛ تقی‌پور، مریم و نریمانی، محمد (۱۳۹۱)، ارتباط تیپ شخصیتی D، خود دلسوزی و حمایت اجتماعی با رفتارهای بهداشتی در بیماران کرونر قلبی، روان شناسی سلامت، فصلنامه علمی-پژوهشی، سال اول، شماره ۱، صص ۵-۱۹.
- 45 -Ahmadpur Mobarakeh AR, Ahadi H, Mazahery MM, Nafisi G.(2008), Construction and validation of a scale to measure. Type D personality and its